

طنز

در پی شوهر احمق تر

همسر من نه ز من دانش و دین می خواهد
نه سلوک خوش و حرف نمکین می خواهد
نه خداجویی مردان خدا می طلبد
نه فسونکاری شیطان لعین می خواهد
نه چو سهراب دلیر و نه چو رستم پرزور
بنده را او نه چنان و نه چنین می خواهد
اسکناس صدی و پانصدی و پنجاهی
صبح تا شب ز من آن ماه جبین می خواهد
هی بدین اسم که روز از نو و روزی از نو
مبل نو، قالی نو، وضع نوین می خواهد
خانه عالی و ماشین گران می طلبد
باغ و استخر و ده و ملک و زمین می خواهد
ز پلاتین و طلا حلقه سفارش داده است
ز برلیان و ز الماس نگین می خواهد
مجلس آرایی و مهمانی و مردمداری
از من بی هنر گوشه نشین می خواهد
پول آوردن و تقدیم به خانم کردن
بنده را او فقط از بهر همین می خواهد
گر مرتب دهمش پول، برایم به دعا
عمر صدساله ز یزدان مبین می خواهد
گر که پولش ندهم، مرگ مرا می طلبد
وزخدا شوهر احمق از این می خواهد

ابوالقاسم حالت

دیدار

من تو را نمی دیدم و به راه خود می رفتم.
تو مرا دیدی و برایم دست تکان دادی
من ایستادم.
تو سلانه سلانه پیش آمدی و سلام مرا پاسخ گفتی.
ای کسی که دیدار تو، پنج هزار تومن جریمه برای من خرج
برداشت، پس اقلاً گواهینامه ام را پس بده.

منوچهر احترامی



به دکتر گفتم: آقای دکتر پاهام عرق میکنه. گفت: چیز
مهمی نیست، منم همین طوریم! گفتم: گاهی وقتا سرگیجه
هم می گیرم. گفت: منم همین طوریم!
گفتم: آقای دکتر شما هم مثل من مریض هستید، به دکتر
خوب پیدا کنم با هم بریم پیشش!
دیوانه از مطب انداختتم بیرون. واله مردم اعصاب ندارن.

زنگ زدم به جا برای کار... بهم گفت ۱۵ روز کار، ۱۵ روز
استراحت، ماهی ۶۰۰ تومن!!
بهش گفتم همیشه اون ۱۵ روز رو هم نیام، ماهی ۳۰۰ تومن؟؟؟
هیچی دیگه به کم فحش های جدید ازش یاد گرفتم.

فقط به ایرانی میتونه کسایی رو که نمی شناسه تو شبکه های
اجتماعی اضافه کنه...

ولی کسایی رو که می شناسه بلاک کنه

اصلاً حدیث داریم: خواهی نشوی رسوا آشنا دیدی بلاک کن.

با دوست دخترم برای اولین بار رفتم کافه خواستم سفارش
بدم. گفتم: تو انتخاب کن ببینم سلیقه ات چطوریه؟
گفت: من اگه سلیقه داشتم که الان پیش تو نبودم.

دختر مسیحی میره پیش کشیش که به گناهاش اعتراف کنه.
میگه: من هر دفعه از جلوی آینه رد میشم، به خودم میگم
من چقدر خوشگلم! آیا من گناه می کنم؟
کشیش میگه: نه دخترم شما گناه نمی کنی، اشتباه می کنی.